Volume 6. Issue 11. Spring 2023. Pages 167 to 186.

Research Paper

Membership in the Palermo and CFT conventions and its impact on Iran's national security

Mohammad pourghorban[*1], Shirin zarepour[2]

[1] Karaj Azad university. Email: mhpor@yahoo.com
[2] Azad uni

10.22080/JPIR.2023.25033.132

Received:
February 20, 2023
Accepted:
August 12, 2023
Available online:
February 10, 2024

Keywords:
Security, National Security, Convention, Palermo, CFT

Abstract

the security of the society and protection of interests is a subject that has always been the concern of mankind since the past and very distant times, so that whenever a government intends to give concessions and accept a commitment, it is in the sense of national security and interests in the short or long term. It has paid attention and prevented other governments from dominating their country. The concept of national security in the Islamic Republic of Iran has always been an effective factor in the acceptance or non-acceptance of international obligations, and the obligations that conflict with the ideology governing the Islamic society of Iran, its policies and constitution, and have the risk of harming national security. The Islamic Council, the Guardian Council and the Expediency Council have prevented the accession of that treaty. It is natural for countries to pay attention to their national security when joining a treaty and to pay attention to treaties from the point of view of national security. By examining the articles and clauses of Palermo and CFT and analyzing their aspects from different angles, this research has tried to pay attention as much as possible to the risks caused by the implementation of these requirements on the national security of the Islamic Republic of Iran. This research has been carried out in a descriptive and analytical method using library resources and the use of available scientific and reliable sites and sources.

*Corresponding Author: Mohammad pourghorban
Address: Karaj Azad university
Email: mhpor@yahoo.com
Tel: 09122644827

علمی

عضویت در کنوانسیون های پالرمو و سی اف تی و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران

محمد پورقربان[1*]، شیرین زارعپور[۲]

[1] گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. ایمیل: mhpor@yahoo.com
[۲] دانش آموخته روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

10.22080/JPIR.2023.25033.1325

تاریخ دریافت:
۰۱ اسفند ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش:
۲۱ مرداد ۱۴۰۲
تاریخ انتشار:
۲۱ بهمن ۱۴۰۲

کلیدواژه ها:
امنیت، امنیت ملی، کنوانسیون، پالرمو، سی اف تی

چکیده

امنیت جامعه و حفظ منافع، موضوعی است که همواره نگرانی بشر را از ادوار گذشته و بسیار دور به خود اختصاص داده است به طوری که هرگاه دولتی قصد امتیاز دادن و پذیرفتن تعهدی داشته، به مفهوم امنیت و منافع ملی در ابعاد کوتاه مدت یا بلند مدت آن توجه نموده و مانع تسلط سایر دولت ها بر کشور خود شده است. مفهوم امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، همواره عاملی موثر در پذیرش یا عدم قبول تعهدات بین المللی بوده و تعهداتی که با ایدئولوژی حاکم بر جامعه اسلامی ایران، سیاست ها و قانون اساسی آن مغایرت داشته و خطر آسیب به امنیت ملی را دربرداشته اند، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام، مانع از الحاق آن معاهده گردیده است. این امر طبیعی است که کشورها هنگام عضویت در معاهده ای، به امنیت ملی خود توجه کنند و از منظر امنیت ملی به معاهده ها توجه کنند. این پژوهش با بررسی مواد و بندهای پالرمو و سی اف تی و تحلیل جوانب آنها از زوایای مختلف، سعی کرده است تا حد ممکن خطرات ناشی از اجرای این الزامات بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار دهد. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای و بهره گیری از سایت ها و منابع علمی و معتبر موجود صورت پذیرفته است.

* **نویسنده مسئول:** محمد پورقربان
آدرس: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، ایران
ایمیل: mhpor@yahoo.com
تلفن: ۰۹۱۲۲۶۴۴۸۲۷

۱ مقدمه

برخی مفاهیم با آنکه به طور روزمره با حیات سیاسی، اجتماعی و امنیتی مردم، سروکار اساسی دارند، همچنان گم و گنگ باقی مانده اند. امنیت ملی را می توان یکی از بارزترین نمونه از این دست مفاهیم شمرد. با نگاهی به سیر تاریخی تکوین این مفهوم، هرچند مفهوم امنیت به عنوان یک نیاز بشری از دیرباز در اذهان و نوشته های فلاسفه قدیم مطرح بوده، اما واژه "امنیت ملی" به دنبال تشکیل دولت-ملت های جدیدی به طور جدی وارد ادبیات سیاسی و روابط بین الملل شده است (ربیعی، ۱۳۸۴: ۱).

با توجه به اینکه امنیت مفهومی با ماهیت جدال انگیز است طبعاً به میزانی که پاسخ می دهد ایجاد سوال نیز می کند. این مفهوم حاوی چندین تناقض و نکات مهم است که اگر درک نشوند باعث سردرگمی می شوند. مهم ترین تناقضات شامل ملاحظات مربوط به دفاع و امنیت فردی، امنیت ملی، امنیت بین المللی، راه های خشونت آمیز و هدف های مسالمت آمیز است. مشکلات تعیین هدف برخواسته از امنیت را نیز به آن ها اضافه کنید و نیز مشکلات اعمال این ایده بر یک سلسله از امور (نظامی، سیاسی، اقتصادی، محیطی و اجتماعی) را در نظر بگیرید تا دامنه موضوع روشن شود (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۹).

تعریف و تبیین امنیت ملی بر اساس منافع بازیگران در این حوزه، آنچنان در ادبیات امنیت ملی معمول شده است که برخی معتقدند: چون موضوعات امنیت ملی بسیار سیاسی هستند و منابع مربوط به آن ها گسترده است، آنچه در این زمینه نگاشته شده اغلب برای مقاصد سیاسی تهیه شده است تا اهداف علمی (ماندل،۱۳۷۷ :۸۳).

بنابراین کشورها برای تامین امنیت ملی خود و حفظ تعادل بین امنیت داخلی و خارجی، مدل های متنوعی از قوانین را در قوانین اساسی خود به کار گرفته اند که نمونه ها از کره شمالی تا سوئیس متفاوتند. اما در یک مورد تشابه بین کشورها زیاد است و آن امضای معاهدات بین المللی، مقاوله نامه ها، پیوستن به کنوانسیون ها و ....است. در این گونه موارد بر اساس آداب مردم سالاری (دموکراسی) دولت، بعد از طی تشریفات دیپلماتیک، اسناد را نهایی کرده و برای تصویب به پارلمان می فرستد و سند در صورتی نهایی می شود که مورد تایید نمایندگان پارلمان قرار بگیرد. یکی از نقاطی که همیشه برای امنیت ملی ما مخاطره آمیز بوده است، تهدیدات و اقدامات کشورهایی است که عملاً خود را در جنگ با ما می بینند و با اعلام حالت جنگی هجوم می کنند.

حال که گروه ویژه اقدام مالی FATF با نفوذ شدید آمریکا و در سال هایی با ریاست یک ژنرال آمریکایی در رأس آن، تکالیف مالی ای را در قالب بسته پیشنهادی به ایران به نوعی تکلیف کرده است (چون در صورت عدم اجرا با قرار گرفتن در لیست سیاه محدودیت های مالی علیه کشورمان اعمال می شود) بررسی دقیق پیشنهادها از منظر امنیت ملی را بسیار با اهمیت می سازد. به همین منظور از بین پیشنهادات دو بند بسیار مهم که در داخل کشور و در رقابت سیاسی بررسی و تصویب آن به سادگی صورت نگرفت، یعنی پیوستن به کنوانسیون های سی اف تی و پالرمو برای بررسی انتخاب شده است تا فارغ از دیدگاه های سیاسی معمول، از منظر امنیت ملی مورد واکاوی قرار گیرد.

۲ مرجع امنیت

یکی از پرسش های کلیدی در بررسی امنیت، مرجع امنیت است که در پاسخ به سؤال امنیت برای چه کسی یا برای چه چیزی شکل میگیرد. ضرورت طرح مرجع امنیت برای آن است که در غیاب آن نه مسأله های امنیتی (تهدیدها) می تواند مطرح باشد و نه اهداف و غایات امنیتی موضوعیت پیدا میکند. مرجع امنیت مانند مفهوم امنیت، محل اختلاف و مناقشه است و امنیت پژوهان براساس فلسفهٔ آگاهی، به ویژه مسائل مرتبط با هستی شناسی و معرفت

شناسی، مرجع یا مراجع خاصی را انتخاب کرده اند. در نتیجه، مرجع امنیت در مکاتب و رویکردهای نظری در حوزهٔ مطالعات امنیتی پیرامون مفاهیمی هم چون فرد، رژیم، جامعه، دولت و جامعهٔ جهانی می چرخد .علاوه بر این، ساختار محیطی و به ویژه عناصر فرهنگی و نهادی در هر کشوری، الزاماتی را برای مکتب امنیتی دارد و مکتب امنیتی در محیط های متفاوت دولت ها معانی مختلفی پیدا می کند (نورمحمدی،۱۳۹۴: ۱۳۶).

با توجه به این که مرجع امنیت یکی از مهم ترین پرسش ها در این حوزه است، نظریه پردازی غنی در این باره وجود دارد. به طور مثال مرجع امنیت در رویکرد واقع گرایان (دولت محوری)، در اندیشه لیبرالیسم (فرد) مرجع امنیت، تاکید نظریه پردازان انتقادی مانند کن بوث نیز بر (انسان) و تاکید مکتب کپنهاگ بر (دولت و جامعه) به عنوان مرجع امنیت است. مرجع امنیت در نگاه واقع گرایان و نوواقع گرایان، دولت است (تریف تري و دیگران ،۱۳۸۳، ۱۲۸؛ مورگنتا ،۱۳۹۳، ۱۸؛ والتز ،۱۳۹۲، ۱۸۸-۱۶۸؛ Booth، 1991، 527-547 و levy، 2005، 3-352)؛ چراکه از نگاه آنان، بازیگران اصلي در نظام بین الملل، دولت ها هستند (عبدالله خاني ،۱۳۸۹، ۸۱) مکتب امنیتي لیبرالیسم، فرد را به عنوان مصداق مرجع امنیت معرفي مي کند. مکتب کپنهاك ،"دولت و جامعه" را مورد توجه قرار داده است (بوزان ،۱۳۷۸، ۲۵۴- ۲۵۲؛ بوزان و دیگران ،۱۳۸۶، ۶۸-۵۴ و عبدالله خاني ،۱۳۸۹، ۱۳۰-۱۲۳). در مطالعات امنیتي جهان سوم نیز ،"رژیم سیاسي" به عنوان مرجع امنیت مطرح است (اي آزر و این مون ،۱۳۷۹، ۲۸-۲۷ و عبدالله خاني ،۱۳۸۹، ۱۵۰-۱۴۹). در مکتب امنیتي انتقادي، نحله هاي مختلفي وجود دارند؛ برخي از آن ها ،"فرد" و "رهایي آدمي" (Smith، 2006، 33-55 و نورمحمدي ،۱۳۹۴، ۱۳۷) و نظریه پردازان دیگر این مکتب، "جامعه" را برابر با مرجع امنیت قرار داده اند (عبدالله خاني ،۱۳۸۹، ۲۱۵-۲۱۲).

جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و برخوردار از ساختار محیطی (به ویژه عناصر نهادی و فرهنگی) متمایزی با سایر واحدهای عضو نظام بین الملل است. این تفاوت ایجاب میکند که جمهوری اسلامی ایران مکتب امنیتی مبتنی بر اقتضائات و نظام ارزشی و هنجاری خود داشته باشد و برمبنای آن، چیستیِ امنیت، مرجع امنیت، مسأله های امنیتی و راهبردهای امنیتی معین شود (نورمحمدی،۱۳۹۴: ۱۳۶). در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی انسان معتقد به خداوند یا انسان اسلامی مبنا و مدار اصلی بحث است و به نوعی به نظر می رسد که میزان تأکید بر انسان به گونه و میزانی است که انسان را می توان مرجع امنیت مکتب امنیتی جمهوری اسلامی دانست و سه عنصر دیگر تنها زمینه ساز فرایند تکامل انسان است. هر چیزی که در مسیر این تکامل مانع ایجاد کند، باید برطرف شود. این، هدفی عالی در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی است (غرایاق زندی، ۱۳۹۹: ۶۵).

۲،۱ مرجع امنیت بین الملل از دیدگاه اسلام

براي معرفي دیدگاه اسلام در مورد مرجع امنیت بین الملل، ابتدا لازم است سطوح امنیت بین الملل را مشخص نماییم. بدین منظور باید تقسیمي از دولت ها ارائه دهیم؛ چرا که نظام بین الملل، متشکل از واحدهایي به نام دولت است. دولت ها را مي توان از جهات مختلفي دسته بندي نمود؛ از جمله تقسیم دولت ها به سه گروه الاهي، حیواني یا انساني، و شیطاني، که در کلام گهربار حضرت امام خمیني(ره) نیز به این تقسیم اشاره شده است (جمشیدي ،۱۳۸۸، ۲۰۴-۲۱۲).

بر اساس تقسیم ارائه شده، چهار دسته دولت در جهان وجود دارند:

۱. دولت هایي که علاوه بر ارزش هاي الاهي و دیني، ارزش هاي انساني از جمله "عدالت" را نیز زیر پا گذاشته و مرتکب ظلم و تجاوز به ملت ها و دولت هاي دیگر مي گردند؛

۲. دولت هایي که هرچند ارزش هاي دیني و الاهي را نمي پذیرند، اما ارزش هاي انساني، به ویژه

"عدالت" را محترم شمرده و از ظلم و تجاوز به ديگران پرهيز مي كنند؛

۳. دسته ي ديگر، دولت هايي كه علاوه بر ارزش هاي انساني، به ارزش هاي الاهي و توحيدي نيز ايمان دارند كه برخي از اين دولت ها به شرايع منسوخ اعتقاد دارند (مسيحيت و يهوديت)؛

۴. گروهي ديگر، به همه ي انبياي الاهي معتقد بوده و به معتبرترين و آخرين نسخه از ارزش ها و شريعت الاهي (اسلام) ايمان آورده اند.

در اين تقسيم، انواع سه گانه ي دولت هاي غيرمستكبر، از يك طرف در پذيرش اصول با هم ديگر تداخل دارند؛ به طوري كه همه ي آن ها در اعتقاد به اصول انساني مشترك اند. در مرحله ي بعد، دولت هاي اسلامي و مسيحي و يهودي علاوه بر اصول انساني، در ايمان به اصول توحيدي نيز متّحدند. اما دولت هاي اسلامي - فراتر از ديگران - مدافع اصول اسلامي و قرآني هستند. طرح اين تقسيم، ما را در دست يابي به مرجع امنيتي مشترك ميان دولت هاي جهان در سطوح مختلف امنيتي ياري خواهد كرد. نظام حاكم بر روابط بين الملل از زمان قرارداد وستفاليا تا جنگ جهاني اول ،"نظام موازنه ي قوا" بود كه قدرت جهاني ميان دولت هاي قدرتمند اروپايي تقسيم مي شد. بعد از جنگ جهاني اول و شكست آلمان،"نظام امنيت دسته جمعي" مطرح گرديد؛ با ناكامي آن در برقراري صلح جهاني "نظام دوقطبي" حاكم شد. پس از فروپاشي بلوك شرق، نظام بين الملل وارد "دوران گذار" شده است؛ نظريات "نظم نوين جهاني"، "برخورد تمدن ها"، "پايان تاريخ"، "بي قطبي" از سوي انديشمندان براي اين دوران مطرح شده و مورد نقدهاي جدي نيز قرار گرفته است (شربیانی، ستوده، ۱۳۹۸: ۱۸۲).

اسلام، حقيقت آدمي را تنها به گوشت و پوست و استخوان خلاصه نكرده و نه تنها روحِ غيرمادي و غيرجسماني را به عنوان بخشی از ذات انسان معرفی می کند. وقتي آدمي تنها به جسم و ماده تعريف گردد و زندگي را چيزي غير از اين دنيا تصور نكند، نوعي از علم و زندگي براي او فرض مي شود؛ و وقتي علاوه بر جسم، به داشتن روحي مجرد توصيف شود و شروع زندگي اصلي را پس از مرگ بداند، علم، زندگي و حقيقتي ديگر براي انسان شكل مي گيرد كه كاملاً متفاوت از نوع قبلي خواهد بود. براين اساس، اسلام در مورد امنيت، همانند مكاتب ديگر امنيتي - هم چون رئاليسم، ليبراليسم و ايده آليسم - نمي انديشد؛ چرا كه آن ها وقتي از امنيت سخن مي گويند، چيزي غير از امنيت مادي و دنيوي را در نظر ندارند؛ اما اسلام علاوه بر امنيت اين جهاني، امنيت آن جهاني را هم در نظر مي گيرد. در نگاه وحي اسلامي، زندگي اصلي و حقيقي، حيات پس از مرگ مي باشد؛ دنيا مزرعه اي براي آخرت بوده و زندگي اين دنيا، مقدمه اي براي رسيدن به زندگي اخروي است. از اين رو شايسته نيست لذت هاي دنيوي به جاي لذت هاي جاودان آخرت مدنظر قرار گيرد. بر اين اساس، اولاً، امنيت منحصر به امنيت دنيوي نيست؛ ثانياً، امنيت ديني و اخروي مهم تر از امنيت مادي و دنيوي بوده و بر آن مقدم است.

با اين توضيح، مرجع امنيت از ديدگاه اسلام نمي تواند در امور مادي محدود گشته و تنها مواردي از قبيل فرد، جامعه و دولت يا تركيبي از اين موارد باشد؛ بلكه در نگاه قرآن، مرجع امنيت، اسلام است كه تأمين كننده ي امنيت آن جهاني است. به عبارت ديگر، مرجع امنيت در اسلام اين است كه صراط مستقيم و راه درست و مطمئن رسيدن به خداوند، محفوظ مانده و از بين نرود (شربیانی، ستوده، ۱۳۹۸: ۱۸۳).

۲،۲ معمای امنیت و محیط امنیتی

اصطلاح معمای امنیت موقعیتی را نشان می دهد که در آن تلاش دولت ها برای ارتقاء امنیتشان از طریق دستیابی به قدرت بیشتر به تهدید امنیت دیگران تعبیر می شود. در مقابل دیگران نیز برای حراست از خودشان در برابر این تهدید به افزایش قدرت به ویژه قدرت نظامی روی می آورند که این خود از سوی دولت نخست به عنوان تهدید برداشت می شود. این دور و تسلسل به این معناست که در تحلیل

نهایی تلاش دولت ها برای افزایش امنیت شان در فضای آنارشی به کاهش آن می انجامد و این مهم ترین معما در فضای بین الملل آنارشیک است. رقابت تسلیحاتی آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در دوره جنگ سرد را می توان نمونه مناسبی از این وضعیت یعنی معما با محظور امنیتی دانست. در واقع مطابق با نظریه رئالیسم، معمای امنیت محصول آنارشی در نظام بین الملل است. برخی رئالیست ها این موقعیت را اجتناب ناپذیر می دانند و برخی دیگر معتقدند معمای امنیت موقعیتی نادر است و انگیزه های دیگر بازیگران موجب می شود دولت ها به فرضیات نادرستی در خصوص اقدامات تدافعی آن ها گرایش یابند و آنها را تهاجمی تفسیر کنند و پاسخی متناسب دهند (شیهان، ۱۳۸۸: ۱۲).

اصغر افتخاری از جمله نظریه پردازان ایرانی مفهوم امنیت برای اصطلاح Security Dilemma واژه "محظور امنیتی" را برگزیده و پیشنهاد کرده است. به نظر وی واژه معما به مواردی اطلاق می شود که قابل حل شدن هستند و در هر حالت نتیجه ویژه و مشخصی را می دهند اما Dilemma به مواردی اطلاق می شود که نتیجه آن مشخص نیست و در عین حال ممکن است لاینحل باشد. در واقع در Dilemma ما با دو شق معارض مواجه می شویم که چاره ای هم از آن ها نیست (افتخاری، ۱۳۸۸: ۲۰۵-۱۹۱).

کن بوث و نیکلاس ویلر در کتاب خود با عنوان محظور امنیتی، هراس، همکاری و اعتماد در سیاست جهانی، مبنای شکل گیری محظور امنیتی را دو پیش فرض می دانند. اول آنکه تصمیم گیرندگان یک واحد سیاسی، امکان آن را ندارند که از آنچه در ذهن رقبایشان در دیگر کشورها می گذرد اطلاع حاصل کنند. بنابراین پیوسته با این پرسش که هدف و غرض اصلی آنها چیست، مواجه هستند. دوم آنکه سیاستگزاران در یک واحد سیاسی نمی توانند نسبت به اینکه رقبایشان از توانمندی تسلیحاتی شان در آینده با وجود همه تعهدها و معاهده ها چگونه استفاده خواهند کرد، مطمئن باشند. بنابراین محظور امنیتی اولاً عبارت است از محظور در تفسیر که ناظر بر تفسیر ما از انگیزه اغراض و توانمندی های دیگران است. در این سطح تحلیل و درک انگیزه ها (نظامی-سیاسی) و اولویت و محوریت هر یک از آن دو مهم است. ثانیاً عبارت است از محظور در واکنش که ناظر بر انتخاب عقلانی ترین واکنش ممکن است در این سطح تحلیل و درک نوع کنش (عملی یا نظری بودن) و اولویت و محوریت هر یک از آن دو مهم است (همان).

در تعریف محیط امنیتی باید این نکته مدنظر قرار گیرد که تعریفی واحد و جهانی از این مفهوم وجود ندارد و در واقع نمی تواند وجود داشته باشد. این مفهوم تنها از دریچه دید رویکردها و تئوری های موجود در علوم سیاسی و به طور دقیق تر روابط بین الملل قابل توصیف است. این تئوری ها محیط امنیتی را به عنوان یک مفهوم کل با بود و نبود تهدیدات امنیتی برای بازیگران بین المللی (دولت ها، ملت ها، اتحادیه ها و...) درک می کنند. به نظر برخی تحلیل گران، محیط امنیتی به وسیله مجموعه ای عوامل، شرایط و روابط موجود در حوزه های اساسی جامعه بشری و بین المللی در یک زمان و مکان مشخص تعریف می شود و از آن جا که به متغیر جغرافیایی وابسته است، محدوده محیط امنیتی می تواند بین المللی یا ملی باشد (صبوری نژاد،۱۴۰۰: ۱۱۱). امنیت ملی به طور مستقیم به امنیت دولت برمی گردد و محیط امنیتی بین المللی اغلب و البته نه همیشه با محیط امنیت جهانی یکسان تلقی شده است. امروزه در چارچوب مفهوم جنگ ترکیبی[1]، مفهوم امنیت بر خلاف گذشته دارای ابعادی فراتر از بعد نظامی است. تهدیدات جدید به طور معمول جمعیت، سمبل های سیاسی و ساختار اقتصادی و فرهنگی را هدف قرار می دهند. در واقع در محیط امنیتی جدید بازیگران غیر دولتی در کنار بازیگران دولتی به نقش آفرینی مشغول هستند (Chirlesan,2009:25).

[1] Hybrid warfare

این مفهومی بود که رئیس جمهور وقت آمریکا جرج هربرت واکر بوش[1] به عنوان توصیفی از دنیای پس از جنگ سرد استفاده کرد. از نظر بسیاری از اندیشمندان سیاسی زمانی که مفهوم نظم نوین جهانی توسط رئیس جمهور بوش و برنت اسکاوکرافت از اعضای شورای امنیت ملی آمریکا به عنوان اصلی ترین مشخصه بعد از جنگ سرد عنوان شد، آن ها اهداف مشخص و منظور خاص خود را داشتند (Manne,1992:2).

ابعاد امنیت ملی

مسئله اقوام، هویت های فرهنگی در جوامع و نقش ایدئولوژی ها در مشروعیت دولتها گسترش ارتباطات و تاثیر آن بر موارد پیش گفته و همچنین تهدیدات زیست محیطی اخیر، هر یک به نوبه خود توجهات بیشتری را بر ابعاد امنیت ملی جلب نموده است. بوزان را می توان از افرادی نامید که در تبیین و واضح کردن این مفهوم، نقش موثری داشته است. پس از آن به ابعاد بیشتری از امنیت ملی توجه شد (ربیعی،۱۳۸۷: ۵).

از منظر بوزان، امنیت اجتماعات بشری به پنج مقوله تقسیم می شود. نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی. به طور کلی امنیت نظامی به اثرات متقابل تواناییهای تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت ها و نیز برداشت آنها از مقاصد یکدیگر مربوط است. امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سازمانی دولت ها سیاست های حکومتی و ایدئولوژی هایی است که به آنها مشروعیت می بخشد. امنیت اقتصادی یعنی دسترسی به منابع مالیه و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از رفاه و قدرت دولت. امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است. امنیت ناظر است که تمام حیات بشری بدان متکی است. این پنج بخش جدا از یکدیگر عمل نمی کنند (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴).

بخشی از مطالعات امنیت ملی که در دوران جنگ سرد آغاز شده بود، ابعاد غیرنظامی امنیت ملی را بیش تر مورد توجه قرار می داد به خصوص بر مقوله امنیت اقتصادی تاکید بیش تر می شد به نحوی که حتی گاهی همسنگ امنیت نظامی مطرح می گردید. تکیه بر لیبرالیسم و سرمایه داری در غرب به طور جدی بر مفاهیم امنیت ملی تاثیرگذار شد و پی گیری مباحثی مانند حقوق بشر و دموکراسی از سوی غرب و بی ثباتی های ناشی از فقدان اقتصاد پویا و دموکراسی در جهان دوم و سوم بر قوت ابعاد جدید امنیت ملی افزود (ربیعی، ۱۳۸۷: ۱۳۵). به طور کلی می توان ابعاد امنیت ملی را به مقوله های زیر تقسیم کرد: امنیت اقتصادی، نظامی، سیاسی، قضایی، فرهنگی و اجتماعی و زیست محیطی که در پژوهش حاضر، مولفه های آن را در کنوانسیون های پالرمو و سی اف تی بررسی می کنیم.

امنیت اقتصادی

تعریف رابرت ماندل از امنیت اقتصادی این گونه است که وی میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تامین کالا و خدمات هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین المللی می داند و می افزاید در حالی که به طور سنتی امنیت اقتصادی دو عنصر اصلی داشته است. یعنی استفاده از امکانات اقتصادی به عنوان یک اهرم و بنیان اقتصادی، قدرت نظامی، افزایش وابستگی متقابل اقتصادی و سیاسی شدن فزاینده موضوعات اقتصادی باعث ایجاد آسیب پذیری بیشتر دولتهای ملی شده است (ماندل، ۱۳۷۷: ۱۰۹).

امنیت اقتصادی در دنیای پس از جنگ سرد، بطور روزافزونی به عنوان یک بعد از امنیت مطرح می شود. دانش پژوهان و سیاست گزاران ضمن تایید ارتباط اقتصادی با ایمنی جامعه، به دنبال راههای جدیدی جهت وارد نمودن موضوعات اقتصادی در راهبردهای سنتی دفاعی بوده اند. خطر بزرگی که امروزه در مورد نظریات رایج امنیت

[1] George Herbert Walker Bush

اقتصادی وجود دارد این است که به غلط آن را تنها بُعد مهم در امنیت ملی تلقی نماییم؛ چنانکه در دوران گذشته نیز چنین برداشتی در مورد امنیت نظامی وجود داشت (همان).

تعریف بوزان از مفهوم امنیت اقتصادی که در رویکرد فراخ نگر وی به مفهوم امنیت به مثابه بعدی از آن مفهوم ارائه شده است، در نوع خود جالب توجه است؛ چرا که سعی دارد دو رهیافت مختلف در پردازش این مفهوم را با یکدیگر تلفیق کند دو رهیافتی که در ظاهر متناقض یکدیگر یا متناقض نما هستند؛ یعنی رهیافت دولت محور و رهیافت مردم محور. اشاره به عبارت "حفظ قدرت دولت" به نگرشی مربوط می شود که قدمتی بیش از یک قرن دارد. یعنی این باور اساسی که اقتصاد پیشرفته با زیربنای مالیاتی سالم و کارآمد، برای خریدهای نظامی و قابلیت های دیپلماتیک ضروری است زیرا تامین و حفظ نیروهای مسلح و شبکه های دیپلماتیک، گران قیمت و پرهزینه است (پورسعید، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

لیبرال ها با اولویت قائل شدن برای اقتصاد مدعی اند که باید اقتصاد را ریشه کالبد اجتماع دانست و بازار را به حال خود واگذاشت که بدون دخالت دولت تاحد ممکن آزادانه کار خود را بکند. دولت برای تامین قانون و برقراری امنیت سیاسی-نظامی و پشتیبانی از کالبد اجتماعی در زمینه هایی که این کار از عهده بازار برنمی آید، هدف اصلی از این دیدگاه امنیت اقتصادی بسط مقرراتی است که سبب پویایی عوامل تولید در میان اقتصادهای ملی شود. البته می توان ادعا کرد که لیبرالیسم برای حفظ جایگاه نخبگان سرمایه دار ساخته و پرداخته شده است. لیبرالها کارایی اقتصادی را ارج می گذارند و روابط اقتصادی را نوعی بازی با حاصل جمع مثبت می دانند که می تواند برای هر دو طرف آن سودآور باشد. سوسیالیست ها به شکل نامناسبی در میان این دو نگرش موضع گیری می کنند و هم اقتصاد را ریشه تمام کالبد اجتماع می دانند و هم می گویند دولت ها تا جایی که می توانند خود را از این منطق خلاص کنند باید اقتصاد را به سمت دو هدف اجتماعی و سیاسی عدالت و برابری ببرند. از نظر سوسیالیست ها باید امنیت کسانی که گرفتار ضعف اقتصادی هستند به زیان قدرتمندان اقتصادی تضمین گردد. در برداشتی بسیار کلی می توان سوسیالیست ها و پیروان مکتب سوداگرای را هوادار ملت گرایی اقتصادی دانست زیرا هر یک به دلایلی متفاوت با دیگری خواهان اولویت یافتن دولت بر اقتصاد است (بوزان و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۵۹).

اندیشمندان سیاسی بر این اعتقادند که بدون توانایی تولیدی و مالی یک ملت توانایی اندکی در حمایت از فعالیت های امنیتی کشور و منافع امنیت ملی خود که مهم ترین عنصر آن بقاست، خواهد داشت. کشورهای قدرتمند اقتصادی از این ابزار برای تغییر رفتار و در بسیاری مواقع سرنگونی حاکمیت کشور هدف با اعمال فشار اقتصادی بر مردم استفاده می نمایند. تحریم های اقتصادی واژه نام آشنایی است که در این مسیر استفاده می شود. ابزاری که همزمان و هماهنگ مورد استفاده با سایر ابزار جنگ ترکیبی به شدت مورد استفاده است (chun, 2005: 249-250).

خلاصه کلام آن که در قرن جاری قدرت اقتصادی به عنوان یکی از عوامل اصلی قدرت در عرصه روابط بین الملل مطرح می باشد و این به آن معناست که یکی از پایه های اصلی امنیت، (اقتصاد) است. اهمیت این عامل تا به آن جاست که حتی عامل نظامی نیز در ذیل آن معنا می یابد (ربیعی، ۱۳۸۷: ۲۶۲).

کنوانسیون

توجه جامعه بین المللی به پیشگیری از پولشویی و تامین مالی تروریسم باعث شکل گیری نهادهایی چون کنوانسیون پالرمو و سی اف تی گردید که اوج آنها در گروه ویژه اقدام مالی اف اِی تی اف متبلور شد. هدف اصلی این نهاد با تاکید بر مفاهیمی چون ایجاد سازوکارهای افزایش همکاری میان دولت ها "ثبات مبتنی بر شفافیت" بود (سلطانی، ۱۳۹۹: ۱).

کنوانسیون پالرمو با عنوان اصلی کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی، در شهر پالرمو ایتالیا در ۱۵ نوامبر سال ۲۰۰۰ با قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید UNITED NATIONS OFFICE (ON DRUGS AND CRIME, 2011) و تا کنون بیش از ۱۸۰ کشور دنیا آن را پذیرفته اند. این کنوانسیون سه پروتکل تکمیلی نیز دارد:

- پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص مخصوصاً زنان و کودکان.
- پروتکل علیه قاچاق مهاجرین از طریق زمین، دریا و هوا.
- پروتکل علیه تولید غیرقانونی و قاچاق مهمات.

کنوانسیون پالرمو در ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۳ پس از ۹۰ روز از پیوستن چهلمین کشور مطابق ماده ۳۸ این کنوانسیون لازم الاجرا شد. در مقدمه متن اصلی کنوانسیون آمده است که کشورها برای قرار گرفتن در زیر مجموعه یکی از این پروتکل ها، باید در مجموعه این کنوانسیون عضو شوند. در متن این کنوانسیون موارد متعددی از مفاسد مالی که جنبه فراملی نیز دارند، مورد تاکید قرار گرفته که یکی از مهم ترین موارد آن مبارزه با پولشویی است که در ماده ۷ این کنوانسیون به تفصیل به آن پرداخته شده است.

فرایند تایید این کنوانسیون در قوه مقننه جمهوری اسلامی ایران، فراز و نشیب هایی داشته است که مهمترین بخش آن، مباحث امنیت ملی را شامل می‌شود (لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی، ۱۳۹۵: ۶).

کنوانسیون مقابله با تامین مالی تروریسم (CFT) دومین کنوانسیونی است که تصویب آن در جمهوری اسلامی ایران، با چالش هایی روبرو بوده است. این کنوانسیون در نهم دسامبر سال ۱۹۹۹ در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسیده است. بر این اساس لایحه دولت جمهوری اسلامی ایران، به مجلس شورای اسلامی تسلیم شد که پس از تصویب و ایراد شورای نگهبان به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شده است و همینک منتظر تصمیم گیری در مجمع است (لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین المللی مقابله با تامین مالی تروریسم، ۱۳۹۶).

در زمان آغاز فعالیت گروه ویژه اقدام مالی در سال ۱۹۸۹ هدف اولیه و ماموریت اصلی آن، وضع استانداردهای بین المللی در زمینه مبارزه با پولشویی تعریف و تبیین شده بود. لیکن در بستر تحولات بین المللی و حسب ضرورت های ناشی از بروز چالش های جدید در سطح بین الملل، اهداف و ماموریت های گروه ویژه اقدام مالی مورد بازنگری قرار گرفت و به تدریج موضوعات و ماموریت های جدیدی به آن افزوده شد به نحوی که اکتبر ۲۰۰۱ و فوریه ۲۰۱۲ را می توان نقطه عطفی برای این نوع تحولات برشمرد. در واکنش به حملات تروریستی یازده سپتامبر در ایالات متحده آمریکا در اکتبر سال ۲۰۰۱ اف ای تی اف جلسه عمومی فوق العاده ای در واشنگتن تشکیل داد و در آن تصمیم گرفته شد تا اختیارات گروه از مبارزه با پولشویی فراتر رفته و تامین مالی تروریسم را نیز شامل شود. در همان جلسات بود که گروه ویژه اقدام مالی هشت توصیه جدید در زمینه با تامین مالی تروریسم تصویب کرد که در اجلاسیه ۲۲ اکتبر سال ۲۰۰۴ یک توصیه دیگر نیز به توصیه های هشت گانه در زمینه مبارزه با تامین مالی تروریسم اضافه شد و در مجموع به توصیه های ویژه معروف شدند. همچنین در تاریخ ۱۶ فوریه سال ۲۰۱۲ نسخه جدید و اصلاح شده ای از مجموعه توصیه های خود را منتشر کرده که FATF نسبت به نسخه قبلی توصیه ها، تفاوت های قابل ملاحظه ای در آن مشاهده می شود (زارع و قائم مقامی، ۱۳۹۵: ۱۲).

پیوستن کشورها به این کنوانسیون ها در موارد متعددی الزامات و تعهدات به جرم انگاری را برای

دولت ها ایجاد می کند. به طوری که دولت های عضو، متعهد می شوند مشارکت در گروه مجرمانه سازمان یافته، تطهیر عوائد حاصل از جرم، پولشویی و فساد را جرم انگاری کنند. بر این اساس پیوستن جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون پالرمو کشور را ملزم می کند تا قوانین و فرایندهای کیفری اش را همسو با انتظارات کنوانسیون ترمیم و بازنگری کند. به تعبیری الزاماتی در مفاد این کنوانسیون وجود دارد که ایران باید بر اساس آن در قوانین و مقررات کیفری اش بازنگری کند. موضوع مهم دیگر در این کنوانسیون ها بحث حق تحفظ است. بر اساس ماده ۱۹ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین که به قانون اساسی حقوق معاهدات شهرت دارد، حق تحفظ یا حق شرط در یک معاهده بین المللی فقط هنگامی قابل پذیرش است که با موضوع و هدف معاهده ناسازگار Incompatible نباشد. بنابراین در کنفرانس وین که مادر کنوانسیون هاست، حق تحفظ در صورتی پذیرفته است که هیچ کشوری با آن مخالفت نکرده باشد و با روح کنوانسیون در تضاد نباشد.

مبادله اطلاعات با ایجاد واحد اطلاعات مالی در کنوانسیون پالرمو

در ماده ۷ بند ۱ اینگونه آمده است: ماده ۷ بند ۱ جزء ب: (همکاری و تبادل اطلاعات در سطوح ملی و بین‌المللی با سازوکار واحد اطلاعات مالی از الزامات این بند بوده که تهدیدات آن در زمینه تبادل اطلاعات واضح است).

واقعه ۱۱ سپتامبر فرصتی طلایی برای آمریکا به وجود آورد تا به بهانه مبارزه با تروریسم، یک واحد جدید در وزارت خزانه‌داری به‌نام "دفتر تروریسم و اطلاعات مالی (TFI) " ایجاد نماید که کنارCIA ، FBI و NSA، از سال ۲۰۰۴ یکی از ۱۷ عضو جامعه اطلاعاتی آمریکاست و تمام دستگاه‌های اطلاعاتی موظف‌اند به آن خدمات بدهند. چریک‌های TFI با سفر به اقصی نقاط جهان، دولت‌ها و نهادهای مالی را برای محکم نمودن ساختمان تحریم‌ها مجاب می‌کنند و آنها را بر سر یک دوراهی قرار می‌دهند که باید یا از آمریکا تبعیت کنند یا اگر با کشورهای تحریمی وارد معامله شوند از تجارت و تعامل با ایالات متحده محروم خواهند شد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت ساختار TFI برای یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی طراحی شده و برای این جنگ نیز نیروهای ویژه خودش را دارد. TFI با حدود ۷۰۰ کارمند از بخش‌های مهمی تشکیل شده است که عبارت‌اند از:

شبکه اجرای جرایم مالی(FinCEN) ، که مهم‌ترین وظیفه‌اش جلوگیری از رسیدن اموال به گروه‌های معارض با آمریکاست و به همین دلیل هیئت نمایندگان آمریکا در FATF را رهبری می‌کند.
FIUدر ایالات متحده ذیل این دفتر انجام وظیفه می‌کند. دفتر تحلیل و اطلاعات (OIA)، که وظیفه‌اش جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات برای مبارزه با تأمین مالی گروه‌های معارض با آمریکاست. دفتر اجرایی خزانه‌داری برای تصرف دارایی‌ها (TEOAF)، دفتر تأمین مالی تروریسم و جرایم مالی (TFFC)دفتر کنترل دارایی‌های خارجی (OFAC) که کانون قدرت وزارت خزانه‌داری بوده و وظیفه‌اش مدیریت و اعمال تحریم‌های اقتصادی و تجاری علیه دولت‌ها، سازمان‌ها و افراد معارض با آمریکاست. این دفتر لیست سیاه افراد و شرکت‌های تحریم‌شده توسط وزارت خزانه‌داری را تهیه و منتشر می‌کند و آن را برای تمام دولت‌ها و نهادهای مالی جهان می‌فرستد و می‌تواند اموال افراد و شرکت‌های تحریم‌شده را مسدود یا افراد و سازمان‌هایی را که با عناصر لیست تحریم معامله کرده‌اند جریمه کند (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۹).

عدم اجازه رازداری بانکی (کنوانسیون پالرمو)

ماده ۱۲ با عنوان توقیف و مصادره بند ۶ با تاکید بر عدم رازداری بانکی اینگونه ذکر شده: به منظور اجراي مفاد اين ماده و ماده ۱۳ اين كنوانسيون، تمامي كشورهاي عضو، به دادگاه هاي ساير مراجع صلاحيت دار خود اختيارات لازم را تفويض خواهند كرد تا بتوانند دستور در دسترس گذاردن يا توقيف سوابق بانكي، مالي يا بازرگاني، را صادر نمايند. كشورهاي عضو مجاز نخواهند بود بنا بر اصل

رازداري بانكي از اجراي مقررات مفاد اين بند خودداري كنند.

در دسترس گذاردن یا توقیف سوابق بانکی، مالی یا بازرگانی، عدم خودداری از اجرا بنا بر اصل رازداری بانکی موجب تسلط بر مبادلات و مبادی کشور در عرصه‌های مهم می‌شود.

گرانی دلار (کنوانسیون پالرمو)

ماده ۷ بند ۲: مفاد این بند مبنی بر کشف و پایش جابجایی وجوه نقد و اوراق بهادار در مرزها، موجب سخت‌تر شدن ورود ارز به کشور شده و پیامدهای اقتصادی آن و گرانی دلار را نباید نادیده گرفت.

دسترسی به اطلاعات بانکی (کنوانسیون پالرمو)

ماده ۱۸ بند ۸: كشورهاي عضو نبايد به دليل حفظ اصل رازداري بانكي، از انجام معاضدت هاي حقوقي متقابل خودداری کنند که لازمه آن دسترسی طرف‌های معاهد به اطلاعات بانکی کشور می‌باشد.

ماده ۲۷ همكاري در زمينه اجراي قانون بند ۱ الف" تقويت و در صورت لزوم، ايجاد مجاري ارتباطي ميان مقامات، نهادها و دوایر صلاحیت دار به منظور تسهیل تبادل سریع و ایمن اطلاعات مربوط به کلیه جوانب جرائم مشمول این کنوانسیون، شامل، ارتباطات آن ها با سایر فعاليتهاي مجرمانه در صورتي كه كشورهاي عضو مربوط مقتضي بدانند.

دسترسی به اطلاعات مالی (کنوانسیون سی اف تی)

ماده ۱۸: با عنایت به این ماده از کنوانسیون، کشورها با دولت‌های دیگر از طریق تعدیل قوانین داخلی، ممنوعیت افتتاح حساب برای صاحبان حساب یا برداشت‌کنندگان ناشناس، ملزم نمودن مؤسسات مالی به ارائه گزارش به مراجع ذی‌صلاح در مواجهه با تبادلات گسترده غیرعادی، همکاری می‌نمایند و مواردی نیز از قبیل نظارت بر مؤسسات انتقال پول، ردیابی یا کنترل حمل و نقل فیزیکی مرزی پول نقد و تبادل اطلاعات از طریق کانال‌های ارتباطی آژانس‌های ذیصلاح با همکاری کشورهای عضو صورت می‌پذیرد، که این امر مؤید اشراف کشورهای متخاصم بر اطلاعات مالی جمهوری اسلامی ایران است.

عصر جدید جنگ مالی

کتاب "اتاق جنگ در خزانه داری آمریکا" سرگذشت گروه کوچکی از مقامات وزارت خزانه داری و سایر نهادهای دولتی آمریکا است، که نسل جدیدی از قدرت مالی را طراحی کرده اند. این استراتژی های پنهانی و با هدف ایجاد تغییرات جدیدی در روش استفاده از ابزارهای مالی طراحی شده اند. از این ابزارهای مالی همچنین برای احیای وزارت خزانه داری که سعی داشت در زمینه تلاش برای پرداختن به موضوعات مرتبط با امنیت ملی معتبر باقی بماند، استفاده شده است. از دل یک وزارت خزانه داری تضعیف شده و یاغیان بروکراتیک - چریک های کت و شلواری- چشم اندازی جدید برای امنیت ملی شکل گرفت که در آن بخش خصوصی می تواند در جهت تامین منافع آمریکا به منزوی کردن رژیم های ناقض قوانین بین المللی کمک کند (زاراته، ۱۳۹۷: ۱۱). در این کتاب گفته می شود چگونه تیم کوچکی در وزارت خزانه داری آمریکا، در هماهنگی با سایر بخش های دولت آمریکا و بخش خصوصی، این عصر جدید جنگ مالی را به راه انداخت (همان،۲۷).

خوان زاراته[1] معاون سابق اداره تروریسم و اطلاعات مالی وزارت خزانه داری آمریکا در کتاب خود تحت عنوان «جنگ خزانه‌داری» کارشناسان وزارت خانه داری را چریک های کت و شلواری می خواند و می نویسد: «زرادخانه آمریکا شامل هواپیماهای بدون سرنشین، موشک‌های تام‌هاوک و چریک‌هایی با کت و شلوار خاکستری است. وظیفه این چریک‌ها تبدیل ابزار مالی و اقتصادی به سلاحی قوی، علیه دشمنان آمریکاست. وی همچنین می

[1] Juan Zárate

نویسد "گروه کوچکی از ما در وزارت خزانه داری و سایر بخش های دولت آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ این آسیب پذیری استراتژیک دشمنان آمریکا را تشخیص دادیم. ما از لنز دلار، یورو و ریال به میدان نبرد جهانی نگاه کردیم و دیدیم که پول بزرگ ترین دارایی ما و بزرگ ترین ضعف و آسیب پذیری دشمنان ما است. با دنبال کردن این ایده شروع به برنامه ریزی روش هایی برای استفاده از پول به عنوان سلاحی علیه تروریست ها، حکومت های ناقض قوانین بین المللی و عاملان مالی غیرمجاز کردیم. در نتیجه حالا در عصر جدید جنگ مالی هستیم. توانایی ضربه زدن به جریان های مالی و شبکه های دشمنان آمریکا و مختل کردن آنها نوع متفاوتی از ابزار نفوذ استراتژیک به ما داد (همان، ۱۷).

این افسر اتاق جنگ اقتصادی، همچنین درباره نقش آمریکا در FATF می‌گوید: «دنی گلاسر و چیپ پونسی، دو دیپلمات برجسته در فضای مالی جهانی و متخصص در بحث مبارزه با پولشویی از سوی ایالات متحده مسئول راه اندازی دوباره فرایند FATF قدیمی شدند تا کشورهای مشکل‌دار را در لیست سیاه جای دهند» و درباره نقش آمریکا در فشارهای FATFبه ایران می‌گوید: گلاسر و پونسی یک فرایند مطمئن را در درون نظام FATF گنجاندند که رژیم ایران را تحت نظارت‌های دقیق قرار می داد، نه فقط با استفاده از استانداردهای ضدپولشویی، بلکه با استانداردهای مقابله با گسترش سلاح های کشتار جمعی و استانداردهای مبارزه با تامین مالی تروریسم که وزارت خزانه داری پس از حمله یازده سپتامبر اصرار بر قرار دادن آن‌ها در FATF داشت. سخنان فوق به خوبی نشان می دهد که آمریکا برای دقیق تر شدن تحریم‌ها نیاز بسیار زیادی به اجرای استانداردهای FATF در ایران دارد و اتاق جنگ اقتصادی (وزارت خزانه داری) از FATF به عنوان یک بازوی قدرتمند در این راستا استفاده می‌کند (خبرگزاری فارس،۱۳۹۷).

مخاطرات امنیتی کنوانسیون های پالرمو و سی اف تی برای جمهوری اسلامی ایران

استراتژی اصلی سازمان های بین المللی در اصرار به پذیرش کنوانسیون های تامین مالی تروریسم و مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی، وادار کردن جمهوری اسلامی ایران به توقف یا کاهش رفتار مقاومتی در منطقه از طریق فعال کردن مجموعه ای از ابزارهای اطلاعاتی، مذاکراتی و ... است که به طور مشخص از حیث سازمانی سپاه پاسداران و حزب الله و از حیث جغرافیایی سوریه را در بر بگیرد. در حال حاضر، هیچ هدفی برای این سازمان ها مهم تر از آن نیست که در چارچوب پروژه هایی، ایران را درگیر مجموعه فرآیندهایی کند که خروجی آن کاسته شدن از نقش جمهوری اسلامی در محور مقاومت و کاسته شدن از نقش محور مقاومت در منطقه باشد. از این نظرگاه، آنچه در پذیرش کارگروه اقدام مالی رخ داده، و در اصرار بر پذیرش کنوانسیون های مذکور وجود دارد، حاوی تهدیدهای بسیار مهم امنیتی است که فراتر از ظواهر بروکراتیک باید درباره آن به شدت حساس بود. رهبر حکیم انقلاب در دیدار با نمایندگان و رئیس مجلس شورای اسلامی درباره معاهدات بین المللی درست در زمانی که صدایی که از مجلس درباره FATF مبنی بر موافقت رئیس مجلس و اکثر اعضاء شنیده می شد، فرمودند:

"این معاهدات بین‌المللی که به آن در لغت فرنگی گفته میشود کنوانسیون، در اصل در یک نقطه‌ای پخت‌وپز میشود که اطراف قضیّه، مِن‌باب مثال آن ۱۰۰ کشور یا ۱۵۰ کشور که بعداً به آن می پیوندند، هیچ تأثیری در آن پخت‌وپز اوّلیّه ندارند. یک جایی بالاخره چند قدرت بزرگ در مجموعه‌های هیئتهای فکری‌شان - به قول خودشان اتاق فکرشان- می‌نشینند برای یک منافعی و مصالحی که برای خودشان تعریف کردند، یک چیزی را پخت‌وپز میکنند، بعد این را به‌وسیله‌ی دولتهایی که همسوی با آنها هستند، یا مرعوب آنها هستند، یا دنباله‌رو آنها

هستند و خیلی منافعی هم در این کار ندارند، تصویب میکنند؛ اگر یک دولت مستقلّی هم پیدا بشود - حالا مثل جمهوری اسلامی- که مثلاً بگوید من این را قبول ندارم؛ این کنوانسیون را، این معاهده‌ی بین‌المللی را قبول ندارم، سرش میریزند که آقا! ۱۲۰ کشور، ۱۵۰ کشور، ۲۰۰ کشور این را قبول کردند؛ شما چطور قبول نمیکنید؟ کنوانسیون‌ها غالباً این[جور] است. گفته میشود حالا چه‌کار بکنیم؟ بعضی از این معاهدات بین‌المللی و کنوانسیون‌ها موادّ مفیدی دارند. خیلی خوب، اشکالی ندارد؛ بنده هم در مورد همین چیزهایی که اخیراً در مجلس مطرح شد در این چند ماه اخیر، گفتم مجلس مستقلّاً خودش قانون بگذراند. فرض کنیم [موضوع] مبارزه‌ی با تروریسم یا با پولشویی است؛ خیلی خب، مجلس شورای اسلامی یک مجلس رشید و عاقل و بالغی است و پشتوانه‌های کاریِ خیلی خوبی هم دارد؛ بنشینند یک قانون بگذرانند؛ این قانون، قانون مبارزه‌ی با پولشویی است، هیچ مشکلی هم ندارد، شرایط زیادی‌ای هم ندارد و همان کاری که خود شماها میخواهید بکنید، در این قانون مندرج است؛ این مهم است. هیچ لزومی ندارد که ما برویم چیزهایی را که نمیدانیم تَه آن چیست یا حتّی میدانیم که مشکلاتی هم دارد، به‌خاطر آن جهاتِ مثبت و جنبه‌های مثبت، قبول بکنیم[1]".

اشراف اطلاعاتی، تهدیدی بر حاکمیت (کنوانسیون پالرمو)

ماده ۷ بند ۴: توسعه و تقویت همکاری های جهانی، منطقه ای و دوجانبه بین مراجع قضایی، مجریان قانون و مقامات نظارتی مالی از جمله مفاد این بند بوده که موجبات اشراف اطلاعاتی بیگانگان را فراهم می‌آورد.

نفوذ و جاسوسی (کنوانسیون پالرمو)

ماده ۲۷ بند۱- ۳ د: تسهیل هماهنگی مؤثر بین مقامات، نهادها و دوایر صلاحیت دار و افزایش تبادل کارمندان و سایر کارشناسان با رعایت موافقتنامه ها یا ترتیبات دو جانبه بین کشورها موجبات نفوذ جاسوسان را به کشور فراهم می‌نماید.

۳ مقاومت‌سیاسی

در بعد سیاسی، به چالش کشیدن مشروعیت سیاست های اعمالی ایالات متحده و تلاش برای افزایش نفوذ سیاسی در خاورمیانه و فراتر از آن در سطوح بین المللی، از جنبه های راهبرد مقاومت جمهوری اسلامی است. به چالش کشیدن مشروعیت نظم مستقر بین المللی در گفتمان روزمره جمهوری اسلامی ایران تلاشی مواجهه جویانه با ساختارهای سیاسی نظم بین المللی است که بر اساس ارزش های دینی اش فاقد مشروعیت اند. به چالش کشیدن اعتبار نظام لیبرال دموکراسی غرب از جنبه های سیاسی، راهبرد دیگر مقاومت جمهوری اسلامی ایران است. مقاومت سیاسی همچنین شامل به کارگیری دیپلماسی در عرصه منطقه ای و بین المللی برای شکل دهی به بلوکی از کشورهای متحد اسلامی در برابر نفوذ غرب می شود. جمهوری اسلامی ایران در این راستا پیوندهایش را با سوریه، حزب الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین گسترش داده است (سیمبر، ۱۳۹۹: ۵۸).

امنیت قضایی

امنیت قضایی عبارت است از ایمنی و مصون ماندن فرد از هر گونه تعرض، تجاوز، ارعاب و تهدید نسبت به جان، مال، ناموس، آزادي، شرف، حیثیت، شغل و مسکن و به طور کلی تمامی حقوق قانونی و مشروع او است. امنیت قضایی، فرآیندي براي رسیدن به یک نظام قضایی عادلانه و منصفانه است که در آن همگان به عدالت دسترسی داشته باشد، حقوق افراد به طور مناسب تأمین شود و عدالت نسبی میان افراد جامعه و به ویژه حاکمان و شهروندان برقرار شود. امنیت قضایی عبارت از توسعه عدالت در جامعه، تأمین آزادیهاي مشروع و حمایت از آنها

[1] - دیدار مقام معظم رهبری با کارکنان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۷/۳/۳۰

و به کار بردن تشریفات و مقررات قضایی روان و مناسب است (ساداتی، ۱۳۸۹: ۱۱).

امنیت قضایی، حالتی است که در آن، حیثیت، جان، مال و تمامی امور مادي و معنوي انسان، در حمایت قانون و در صیانت قوه قضائیه باشد. براي ایجاد چنین حالتی، باید مؤلفه های اساسی رعایت شوند تا از آن طریق بتوان به هدف امنیت قضایی که دستیابی به عدالت قضایی است، دسترسی یافت. احترام و التزام به قانون، از اولین شرایط قوام جامعه و ایجاد نظم و امنیت فردي و اجتماعی است. برنامه ریزیهاي بلندمدت به منظور ایجاد و امکان تحول و رشد، تنها در جامعه اي میسر است که قانون، نظم و امنیت، ثبات و امید به آینده و اعتماد متقابل، حکمفرما باشد (میرکمالی، ۱۳۹۸: ۱۲۷-۱۵۰).

معاضدت حقوقی (کنوانسیون پالرمو)

ماده ۱۸ معاضدت حقوقی متقابل بند ۱: "در زمینه تحقیقات، تعقیب و رسیدگي هاي قضایي مربوط به جرائم موضوع این کنوانسیون طبق مفاد ماده ۳ آن، کشورهاي عضو بیشترین حد معاضدت هاي حقوقي متقابل را براي یکدیگر فراهم خواهند کرد و در مواردي که کشور عضو درخواست کننده، بنا بر دلایل معقول معتقد باشد که جرائم موضوع جزءهاي الف یا ب بند ۱ ماده ۳ داراي ماهیت فراملي هستند، شامل این موضوع که قربانیان، شهود، عواید، آلات و اسباب یا ادله مربوط به جرائم مزبور در قلمروي کشور عضو درخواست شونده واقع شده و یک گروه مجرمانه سازمان یافته در ارتکاب جرم مورد نظر دخالت داشته است، معاضدت هاي متقابل لازم را در اختیار آن کشور قرار خواهند داد".

فراهم کردن بیشترین حد معاضدت حقوقی متقابل برای یکدیگر از دیگر الزامات بوده که می‌بایست در معاهدات با کشورهای دیگر پیش‌بینی شده و مورد توجه قرار گیرد.

همین طور در ماده ۱۲ (کنوانسیون سی اف تی)، حداکثر مساعدت از بازجویی تا استرداد، عدم رد درخواست معاضدت حقوقی و تبادل اطلاعات از موضوعات این ماده است.

مصادره اموال، تهدید امنیتی (کنوانسیون پالرمو)

ماده ۱۳ تاکید بر همکاری بین المللی به منظور مصادره اموال دارد. باید دید درخواست کمک از دولت های عضو دیگر چه مخاطراتی می تواند در پی داشته باشد؟ همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی مربوط، سبب پذیرفتن استانداردهای این نهادها و اجرای مفاد آن می‌باشد که این امر تهدیدات امنیتی و ملی در پی خواهد داشت.

۴ امنیت زیست محیطی

از اواسط دهه ۱۹۸۰ شمار فراوانی از استادان تاکید می کردند که آثار تخریبی فعالیت انسانی بر محیط زیست سبب تهدید علیه امنیت ملی قلمداد شود. این تحلیل گران معتقد بودند حیطه تعریف امنیت ملی باید وسیع تر باشد تا مباحث مربوط به محیط زیست و منابع مورد تهدید را دربرگیرد. امنیت محیط زیست یا امنیت اکولوژیکی از واژه هایی است که به منظور تشریح امنیتی تهدیدهای زیست محیطی به کار می رود. از جمله باری بوزان در کتاب مردم دولت ها و هراس بر این نکته تاکید می ورزد که در مفهوم امنیت ملی عامل زیست محیطی یا تهدید زیست محیطی نیز به همان اندازه سیاسی و نظامی اهمیت دارند. طیف وسیعی از دیدگاه های مختلف پیرامون این که آیا محیط زیست به عنوان یک مسئله امنیتی قلمداد شود، یا نه وجود دارد. این طیف از یک سو شامل کسانی می شود که معتقدند امنیتی کردن محیط زیست مهم ترین گام در جهت بقای بشریت به حساب می آید. از سوی دیگر برخی بر این باورند که قائلان به امنیت زیست محیطی به طور خیلی ساده محیط زیست گرایانی هستند که با بدگمانی تلاش می کنند بخشی از منابع و توجه دولت که به طور سنتی به موضوعات امنیتی اختصاص می یابد را به چنگ آورند (پورسعید، ۱۳۹۲: ۱۲۵).

با همه این اوصاف، مي توان امنيت ملي را با توجه به مفهوم حقوقي و با در نظر داشتن موجبات تاثیرگذار سیاسی و با توجه به مفهوم امنيت ملي کشورهایی همچون ایران اینگونه تعریف نمود:

(مجموعه اي از اصول و باورها و نيازها و ايدئولوژي هاي حاكم بر جامعه و ميزان قدرت بالقوه و بالفعل هر كشور كه تلاش مي كند با توجه به شرايط موجود و تجربيات گذشته، ارزيابي دقيقي از اقدامات خود در عرصه بين المللي و حتي داخلي داشته باشد تا بتواند منافع ملي و مردم خود را بهتر حفظ و تضمين نمايد. لذا اين امنيت ملي درگير با معاهدات و موافقت نامه هاي مختلفي است كه كشورها آن را مي پذيرند يا بر آنها تحميل مي شود).

تسلط بر اطلاعات (کنوانسیون پالرمو)

ایجاد مجاری ارتباطی میان مقامات، نهادها و دوایر صلاحیت دار بمنظور تسهیل تبادل سریع و ایمن اطلاعات موجب تسلط دول متخاصم بر اطلاعات و تسریع در روند تحریم‌ها می‌شود.

ماده ۲۷ بند۱- ۳ و" مبادله اطلاعات و هماهنگ کردن تدابير اداري و ساير تدابير اتخاذ شده، بر حسب اقتضاء، به منظور كشف سريع جرائم مشمول اين كنوانسيون" مبادله اطلاعات و هماهنگ کردن تدابیر اداری و سایر تدابیر اتخاذ شده بمنظور کشف سریع جرایم موجب کاهش نظارت بر تبادل اطلاعات و درز اطلاعات محرمانه خواهد شد.

ماده ۲۷ بند ۲ " به منظور لازم الاجرا کردن این کنوانسیون، كشورهاي عضو انعقاد موافقتنامه ها يا ترتيبات دو جانبه يا چند جانبه در زمينه همكاري مستقيم بين نهادهاي مجري قانون خود، و در مواردي كه چنين موافقتنامه ها يا ترتيباتي از قبل وجود دارند، اصلاح آن ها را مدنظر قرار خواهند داد. در صورت فقدان اينگونه موافقتنامه ها يا ترتيباتي بين كشورهاي عضو مربوط، اعضاء مي توانند اين كنوانسيون را به عنوان مبناي همكاري متقابل در زمينه اجراي قانون در خصوص جرائم مشمول اين كنوانسيون تلقي نمايند. كشورهاي عضو، در موارد مقتضي، از موافقتنامه ها يا ترتيبات از جمله سازمان هاي بين المللي يا منطقه اي براي ارتقاي همكاري ميان نهادهاي مجري قانون خود حداكثر استفاده را خواهند نمود".

انعقاد موافقتنامه یا ترتیبات دوجانبه یا چندجانبه در زمینه همکاری مستقیم بین نهادهای مجری قانون فرایند نظارت بر تبادلات مربوطه را پیچیده‌تر خواهد نمود.

دسترسی به اطلاعات به بهانه جرم سازمان یافته (کنوانسیون پالرمو)

ماده ۳ کنوانسیون پالرمو با عنوان دامنه شمول بیان می دارد:

این كنوانسيون براي پيشگيري از تحقيقات و تعقيب جرائم زير و در مواردي به كار خواهد رفت كه جرم مورد نظر ماهيت فراملي داشته و به يک گروه مجرمانه سازمان يافته مربوط باشد، مگر آن كه در اين كنوانسيون طور ديگري ذكر شده باشد:

۲ . در بند(۱) اين ماده، جرم در صورتي ماهيت فراملي خواهد داشت كه:

الف) در بيش از يک كشور اتفاق افتاده باشد؛

ب) در يک كشور اتفاق افتاده باشد ولي بخش مهمي از مقدمات، برنامه ريزي، هدايت يا كنترل آن در كشور ديگري انجام شود؛

ج) در يک كشور اتفاق افتاده باشد اما يک گروه مجرمانه سازمان يافته در آن دخيل بوده باشد كه در بيش از يک كشور به فعاليتهای مجرمانه مشغول است؛

د) در يک كشور اتفاق افتاده باشد ولي در كشور ديگري آثار قابل ملاحظه اي داشته باشد.

در این ماده مشخص نیست کنوانسیون پالرمو چگونه به اطلاعات ذکر شده دست خواهد یافت. در حالی که از نظر همین بند می تواند به بهانه جرم

سازمان یافته، کشوری را متهم کند و در پی یافتن مجرم به آن کشور تعدی نماید.

تعریفی متفاوت از تروریسم (کنوانسیون سی اف تی)

ماده ۶: در این ماده قید شده اعمال جزایی منظور کمیسیون با ملاحظات سیاسی، فلسفی، عقیدتی، نژادی، قومی، مذهبی و غیره نباید توجیه شوند؛ این امر به معنی در نظر نگرفتن گروه‌های مقاومت، گروه‌های مردمی و مسلمانان سایر کشورها در مبارزه با ظلم و استعمار است.

همچنین در ماده ۱۱ کنوانسیون سی اف تی نیز در این ماده تصریح به استرداد مجرمین موضوع کنوانسیون گردیده و تبعات حاصل از آن مشخص است. زیرا طبق تعریفی که مورد قبول این کنوانسیون از تروریسم که همان تعریف کشورهای غربی است، گروه های مقاومت، نیروهای نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی نیز تروریست شناخته شده و ملزم به استرداد افراد معین شده از سوی دیگر کشورها من جمله ایالات متحده هستیم.

۵ انجماد دارایی های ایران به بهانه حمایت از تروریسم

در میانه تحریم‌ها برای اعمال فشار بیشتر بر ایران، فرصت غیرمنتظره‌ای برای زدن ضربه‌های کاری و مستقیم به دست آمد. در سال ۲۰۰۸، وکلا و دیگر افرادی که به دنبال دارایی‌های ایران بودند، مطلع شدند که بیش از دو میلیارد دلار از دارایی‌های ایران در حساب سیتی بانک توسط Clearstream نگهداری می‌شود. همگام با تحریم‌های ایالات متحده و اتحادیه اروپا، Clearstream نیز تمام حساب مشتریان ایرانی را تا نوامبر ۲۰۰۷ بست. مشخص نبود که چرا این حساب خاص بسته نشده و دارایی‌های آن تخلیه نشده بود، اما با نظارت بیشتر بر دارایی‌های ایران مسئله روشن شد. آن دو میلیارد دلار در یک حساب متمرکز خوابیده بود. مهم‌تر اینکه دارایی متعلق به بانک مرکزی ایران بود، بنابراین انجماد یا دسترسی موفقیت آمیز به آن می‌توانست بر ذخایر بانکی ایران تأثیر بگذارد. در نهایت، دارایی‌ها منجمد شدند، اما نه توسط وزارت خزانه‌داری. در عوض، وکلای قربانیان حادثه تروریستی که قبلاً هم اقداماتی علیه ایران به عنوان حامی تروریسم انجام داده بودند، شکایتی علیه ایران تنظیم کردند (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۷).

۶ اعمال فشار بر بانکها برای قطع تجارت با ایران و تصویب قانون جامع تحریم ها (CISADA)

دومین عنصر مبارزه فشار مالی، اعمال محدودیت بر آن دسته از بانک‌هایی بود که هنوز هم به تجارت با ایران ادامه می‌دادند. خزانه‌داری لیستی از بانک‌هایی تهیه کرد که در حال تجارت با بانک‌ها و نهادهایی ایرانی بودند. آن لیست تبدیل به یک لیست هدف برای فشار آرام و اقدامات محدود ساز شد تا بانک‌ها متقاعد به قطع تجارت با ایران شوند. لوی به همراه دنی گلاسر و معاون جدید وزیر و عضو اسبق خزانه‌داری در دولت کلینتون، دیوید کوهن، مأموریت یافتن بانک‌های کله شقی را بر عهده گرفتند تا آنها را متقاعد به کاهش انجام تجارت با ایران کنند. تهدید به تحریم یا انجام اقدامات قانونی که می‌توانست دسترسی آن بانک به نظام مالی ایالات متحده را قطع کرده و اعتبارش را خدشه‌دار کند همواره توجیهی بود که آنها در آستین داشتند. ایرانی‌ها بار دیگر شاهد دیدارهای هیئت‌هایی از وزارت خزانه‌داری از مراکز بانکی در لندن، دبی، فرانکفورت، بیروت، هنگ کنگ و سنگاپور بودند. خزانه‌داری دوباره کارش را از سر گرفته بود. در اول ژولای ۲۰۱۰، سنا قانون جامع تحریم ها، مسئولیت‌پذیری و محرومیت ایران (CISADA) را با ۹۵ رای موافق در برابر صفر رای مخالف تصویب کرد.

قانون سیسادا[1] تبدیل به یک جزء مشخص از رژیم تحریم‌ها علیه ایران شد. این قانون هر بانک خارجی که همچنان به انجام معاملات نفتی با ایران می‌پردازد را مجازات می‌کرد. این قانون به این معناست که هر بانکی نمی‌تواند در خاک ایالات متحده با بانک مرکزی ایران داد و ستد تجاری داشته باشد. قانون سیسادا بار دیگر تمرکز جامعه بین‌الملل بر بخش بانکی ایران را به عنوان فاکتور کلیدی در محدود کردن ایرانی‌ها عنوان می‌کرد. کنگره دقیقاً همان محاسباتی را داشت که در تمام طول دوره راهبرد تنگ کردن حلقه فشار به کار گرفته می‌شد: اگر شما می‌خواهید در آمریکا تجارت کنید، باید تجارت با ایران را متوقف کنید (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۷).

ریچارد نفیو، معمار تحریم های ایران در کتاب خود درباره نحوه تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر اساس قانون جامع تحریم ها اینگونه می نویسد: اقدام آمریکا برای تحریم ایران از طریق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مثال آموزنده ای در این قضیه است. از سال ۲۰۰۶-۲۰۱۰ بخش اعظمی از سیاست آمریکا شناسایی عمده فعالیت های شیطنت آمیز سپاه بوده که از طریق آن بتواند مبنایی برای تحریم ها اقتصادی ایران و منزوی کردن این کشور به لحاظ اقتصادی به وجود بیاورد. این نگاه بسیار سر راست بود و خود ایرانی ها نیز به شکل گرفتن آن کمک می کردند. سیاستگزاران و کنشگران باید نشان می دادند که سپاه کنشگر بدی بود و از متحدان خود می خواستند که از هرگونه فعالیت اقتصادی با سپاه و عوامل و واسطه هایش را ممنوع کند. در این زمان راهبرد مذکور عناصر دیگری نیز به خود گرفت. به لحاظ قانونی آمریکا اعلام کرد که هرگونه معامله چشمگیر و خاص با سپاه و مرتبطینش می تواند افراد را از سیستم مالی آمریکا جدا کند. این تصمیم بر اثر قانون جامع تحریم های ایران گرفته شد. به لحاظ دیپلماتیک آمریکا تلاش دارد دایره محکومیت سپاه را گسترش دهد و این نیرو را در فهرست های سیاه مختلف قرار دهد. به خصوص عناصری از سپاه که تحت قانون های آمریکا مرتکب نقض حقوق بشر شده بودند در سوریه فعال بودند یا به برنامه موشکی ایران و مسائل دیگر کمک کرده بودند. سپاه که از قبل در ایران قدرت بالایی داشت به عنوان کانون و مرکز تمام رفتارهای دولت ایران در محافل مختلف توسط واشنگتن معرفی شد. در اینجا نیز ادعای مذکور بر اساس بنیان واقعی شکل گرفت اما هدف راهبرد آمریکا این بود که سپاه و ایران را کاملاً چسبیده به هم و غیر قابل جداسازی نشان دهد و امکان اعمال تحریم های هرچه بیشتر بر ایران حتی از مسیرهای قانونی به دلیل فعالیت های سپاه را فراهم کند (نفیو، ۱۳۹۷: ۱۰۳).

۶،۱ معارض قاعده نفی سبیل (کنوانسیون سی اف تی)

کنوانسیون تأمین مالی تروریسم با فراهم کردن بستر تسلط بیگانگان بر نظام اسلامی معارض قاعده نفی سبیل بوده و همچنین با بند ششم از اصل دوم، بند پنجم از اصل سوم، بند هشتم از اصل ۴۳ و اصول ۱۵۲ تا ۱۵۴ مغایرت دارد. چرا که موجب احاطه نظام سلطه به اطلاعات مالی و تبادلات و تراکنش‌های داخلی می‌شود. با بررسی مواد این کنوانسیون درمی‌یابیم علاوه بر ایرادات مطروحه توسط رسانه‌ها و مشکلات عدیده روح کلی مفاد آن، از بعد فنی نیز دارای ابهامات و نکاتی است که جمهوری اسلامی ایران را با مشکل مواجه می‌سازد.

نفی سبیل اصل دیگری در سیاست خارجی اسلام است که هم منصوص است و هم منطبق برسنت و اجماع فقها. به موجب این اصل دولت اسلامی موظف است که در برقراری رابطه با سایر دولت ها و انعقاد معاهدات دو یا چند جانبه و نیز عضویت در سازمانهای بین المللی به گونه ای عمل

[1] Countering America's Adversaries Through Sanctions Act (CAATSA)

کند که موجب شکست قدرت اسلام و استیلای دولت های بیگانه بر مسلمانان نگردد. از مهم ترین آیات قرآنی که بر این اصل دلالت دارد آیه ۱۴۱ سوره نساء است "ولن یجعل اللّه للکافرین علی المومنین سبیلا"[۱]. بحث مبسوط راجع به حکومت قاعده نفی سبیل بر دیگر احکام را باید در مقالات فقهی جستجو کرد (دادمهر، ۱۳۹۹: ۳۴۵).

۷ نتیجه گیری

پیوستگی ارتباطات منطقه ای و بین المللی یکی از ویژگی های حکمرانی در جهان امروز است و در این راستا، معاهدات و کنوانسیونهای دو یا چند جانبه در موضوعات مختلف، جایگاه مهمی را در روابط کشورها و سازمان های بین المللی داراست. اما باید گفت پذیرش و اجرای معاهدات، کنوانسیون ها و موافقت نامه هایی که واجد جنبه قضایی بوده و مخاطرات امنیتی را در متن خود دارد، از ملاحظات خاصی برخوردار است. چرا که مقررات قضایی دارای خاصیت سرزمینی است و اِعمال آن، نشانه اقتدار دولت ها می باشد. از طرفی، تاریخ بشر نشانگر نگرانی دولت ها از ادوار گذشته نسبت به موضوع امنیت و حفظ منافع سرزمینی بوده است. به طوری که اگر در مواقعی قرار بوده امتیازی بدهد و یا تعهدی را قبول کند، موضوع امنیت را در نظر گرفته و مانع از تسلط بیگانگان به کشور خود شده است. اولین پرسش در خصوص معاهدات بین‌المللی این است که نفع و ضرر آن معاهده برای جمهوری اسلامی چیست؟ در قانون اساسی، ساختار جمهوری اسلامی ایران به سه بُعد اسلام، حکومت و مردم تقسیم می شود. بنابراین هر معاهده ای که تصویب می شود باید دربرگیرنده منافع اقتصادی، نظامی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اسلام، حکومت و مردم جمهوری اسلامی ایران باشد. منافع جمهوری اسلامی اعم از مادی و معنوی است و هر معاهده ای که نتواند یکی از منافع فوق الذکر را برآورده سازد، باید کنار گذاشته شود و قانونگذار داخلی در راستای ایجاد یک حقوق عرفی یا غیر عرفی بین المللی درباره آن موضوع اقدام نماید. بر اساس شواهد و قرائن و بررسی های کارشناسان پذیرش کنوانسیونهای فوق الذکر می تواند عواقب امنیتی برای کشور در پی داشته باشد.

[۱] و خداوند هرگز راهی برای تسلّط کافران بر مؤمنان قرار نداده است

منابع

- اخوان کاظمی، بهرام،(۱۳۹۹). مجموعه مقالات همایش سراسری مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع) موسسه چاپ و انتشارات

- آشنا، حسام الدین،(۱۳۸۸). امنیت فرهنگی:مفهومی فراسوی امنیت ملی و امنیت انسانی، راهبرد فرهنگ، شماره پنجم

- افتخاری، اصغر،(۱۳۸۸). محظور امنیتی، راهبرد دفاعی، شماره بیست و چهار، صص۱۹۱-۲۰۵

- بوزان، باری، ویور، الی و پاپ دوویلد، (۱۳۸۶). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

- پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای،(۱۳۹۷). بیانات در دیدار کارکنان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، قابل بازیابی در سایت زیر

https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39982

- پورسعید، فرزاد،(۱۳۹۲). فرهنگ توصیفی اصطلاحات امنیت، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- خبرگزاری فارس، (۹۷/۲/۱۸)، FATF بازوی قدرتمند جنگ ارزی علیه ایران/وزارت خزانه داری چگونه از FATFعلیه ایران استفاده می کند؟ قابل دسترسی در لینک زیر

https://www.farsnews.ir/news/13970217001561/FATF

- خبرگزاری فارس،(۱۳۹۷/۱۲/۱۴)،"ماموریت FATF تنگ کردن حلقه فشار علیه ایران است" قابل دسترسی در لینک زیر

https://www.farsnews.ir/news/13971213/000839

- خبرگزاری تسنیم،(۱۳۹۹/۱۲/۰۱۹)، همه چیز درباره FATF پیوستن به گروه اقدام مالی بی بازگشت است. قابل دستیابی در لینک زیر

https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/12/19/2467186

- دادمهر، هادی،(۱۳۹۹). مقایسه تطبیقی نشانه های مقاومتی مکتب امنیتی جمهوری اسلامی با آموزه های مدرن روابط بین الملل، مجموعه مقالات همایش سراسری مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع) موسسه چاپ و انتشارات

ربیعی، علی،(۱۳۸۷). مطالعات امنیت ملی: مقدمه ای بر نظریه های امنیت ملی در جهان سوم، چاپ سوم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امورخارجه

راجی، سیدمحمدحسین،خاتمی، سیدمحمدرضا،(۱۴۰۰). صعود چهل ساله، چاپ ششم، تهران:دفتر نشر معارف

- زاراته،خوان،(۱۳۹۷). اتاق جنگ در خزانه داری آمریکا، ترجمه مریم اصغرپور وحوامیرمحمدیان، تهران: پندار تابان

راجی،سیدمحمدحسین،خاتمی،سیدمحمدرضا،(۱۳۹۸). گام تمدن ساز:بسط بیانیه گام دوم انقلاب، چاپ دوم،تهران: دفتر نشر معارف

ساداتی، سیدمحمود،(۱۳۸۹). امنیت قضایی در جمهوری اسلامی ایران، ماهنامه دادرسی

سیمبر، رضا،(۱۳۹۹). مبانی هستی شناسی مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات همایش سراسری مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع) موسسه چاپ و انتشارات

شیهان،مایکل،(۱۳۸۸). امنیت بین الملل، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

صمدپورآذر، محمد، شربیانی، محمد ستوده،(۱۳۹۸).مرجع امنیت بین الملل از دیدگاه

اسلام،فصلنامه سیاست عالیه،سال هفتم، شماره بیست و چهار،صص۱۷۷-۱۹۸

صبوری نژاد، احمد،(۱۴۰۰). سیاست دفاعی آمریکا:نگاهی به تحول ماهیت جنگ در قرن ۲۱، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

عبداله خانی، علی،(۱۳۸۹). نظریه های امنیت، چاپ اول، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران-معاونت پژوهشی

غرایاق زندی، داود،(۱۳۹۹). مبانی انسان شناختی مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات همایش سراسری مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع) موسسه چاپ و انتشارات

میرکمالی، سید علیرضا،(۱۳۹۸). تامین امنیت قضایی در پرتو حق برخورداری از وکیل در حقوق ایران، فرانسه و اسناد بین المللی، فصلنامه علمی پژوهش نامه حقوق اسلامی مقاله پژوهشی، سال بیست و یکم، شماره اول پیاپی ۵۱،صص ۱۲۷-۱۵۰

ماندل، رابرت،(۱۳۷۷). چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

نورمحمدی، مرتضی،(۱۳۹۹). مجموعه مقالات همایش سراسری مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع) موسسه چاپ و انتشارات

نفیو، ریچارد،(۱۳۹۷). هنر تحریم ها نگاهی از درون، مرکز پژوهش های مجلس، معاونت اقتصادی

in Money Laundering". **Hame Papers on Public Policy.** Vo1. 1. No.2. Edinburgh University Press, pp.38-51__

Manne,R.(1992).”The old world disorder”. Quadrant,36(9),2

- Chirlesan,G.(2009). Basice Elements of the present Regional Security Enviroment. University of pitest,Targudin vale,no.1,pite,ll0040
- Sherman, T. (1993)."International Effort to Combat Money Laundering: The Financial Action Task Force, Efforts